

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نصیحت‌های مفیدی درباره‌ی حرام بودن غیبت و خبرچینی

مؤلف: محمد سلیمان العلیط

مترجم: پدram اندایش

نام کتاب: نصیحت‌های مفیدی درباره‌ی حرام بودن غیبت و خبرچینی

مؤلف: محمد سلیمان العلیط

مترجم: پدram اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌نماییم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و نتیجه‌ی بد اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت نماید، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحقّی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد.

اما بعد:

الله سبحانه و تعالی با عزت و قدرتش ما را بهترین مردم برای انسانها قرار داده است و پیامبر ما برترین پیامبر و قرآن را برترین کتاب قرار داده است.

این بهتر بودن برای وجود امر به نیکی و نهی از

بدی توسط ما می‌باشد، همان گونه که الله تعالی می-فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] (شما بهترین مردم برای انسانها می‌باشید، امر به نیکی می‌نمایید و از بدی نهی می‌نمایید) و بعضی از علماء امر به نیکی و نهی از بدی را ششمین رکن اسلام دانسته‌اند.

سکوت جایز نمی‌باشد و اگر کسی عمل بدی را دید بر اساس توانش باید از یکی از روشهای سه گانه از آن نهی نماید.

شرطی وجود ندارد که امرکننده به نیکی و نهی کننده از بدی باید از گناهان سالم باشد و اگر این شرط برای امر و نهی وجود داشت، جز پیامبران کسی نمی-توانست آن را انجام دهد، همان گونه که سفارینی رحمه الله از طرف بعضی از علماء درباره‌ی آن گفته است: «شایسته کسی است که وقتی جام شراب را می‌گیرد،

لیوان آن را منکر شود».

از الله تعالى درخواست نمودم تا کمک کند تا مطلبی درباره‌ی حرام بودن غیبت و خبرچینی از کتاب الله تعالى و سنت پیامبر ﷺ تهیه نمایم و هدف از این امر خیرخواهی بوده است، همان گونه که پیامبر ﷺ فرموده است: «الدین النصیحة» (دین همه‌اش خیرخواهی است) و آن را نامیده‌ام: «النصائح المفيدة فی تحریم الغیبة والنمیمة».

از الله تعالى درخواست می‌نمایم تا آن را خالص برای صورت گرامی‌اش قرار دهد و توسط آن به کسی که آن را بخواند یا بشنود یا به نشر آن کمک کند، منفعت برساند. الله بسیار ستوده و بسیار بزرگوار است و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه.

فصل

در بیان حرام بودن غیبت و خبرچینی در قرآن کریم این موارد آمده است: الله تعالى می‌فرماید: ﴿مَثَاءِ بَنِمِمْ﴾ [القلم: ۱۱] (کسی که دائماً خبرچینی می‌کند). الله سبحانه و تعالى می‌فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۲] (و بعضی از شما از بعضی دیگر غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مُرده‌ی برادر خود را بخورد در حالی که از آن کراهت دارید؟ و از الله بترسید و تقوا پیشه کنید که الله بسیار توبه‌پذیر و دائماً رحمت کننده است). ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش گفته است: در آن از غیبت کردن نهی آمده است و در تفسیر آن آمده است: در سنن ابوداود از قعنبی از عبد العزیز محمد از العلاء از پدرش از ابوهریره رضی الله عنه گفته شد: ای رسول الله! غیبت چیست؟

فرمود: «ذکرک أخاک بما یکره» (یاد نمودن برادرت [در نزد دیگران] از آنچه او کراهت دارد). گفته شد: اگر آنچه را که درباره‌ی او می‌گوییم در وی وجود داشته باشد، چطور؟ فرمود: «إن کان فیه ما تقول فقد اغتبتہ، وإن لم یکن فیه ما تقول فقد بہتہ» (اگر آنچه را که می‌گویی، در وی وجود داشته باشد، از او غیبت نموده‌ای و اگر آنچه را می‌گویی در او وجود نداشته باشد، به او تهمت زده‌ای). ابن جریر و ترمذی آن را روایت کرده‌اند و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

ابن ابی دنیا و طبرانی و بیهقی از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند: «الغیبة أشد من الزنی» (غیبت شدیدتر از زنا می‌باشد) گفته شد: چگونه؟ فرمود: «الرجل یزنی ثم یتوب، فیتوب الله علیہ، وصاحب الغیبة لا یغفر له حتی یغفر له صاحبه» (شخصی که زنا می‌کند و بعد از آن توبه می‌نماید، الله [تعالی] توبه‌ی او را می‌پذیرد ولی انجام

دهنده‌ی غیبت آمرزیده نمی‌شود تا آن که کسی که از او غیبت کرده است، او را ببخشد).

از ابن عیینة به صورت غیر مرفوع روایت شده است و منذری گفته است: آن شبیه‌تر است.

فصل

آنچه درباره‌ی حرام بودن غیبت و خبرچینی در سنت آمده است:

بخاری (بخارایی) رحمه الله در صحیحش در باب الغیبة این سخن الله تعالی را آورده است: ﴿وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمُ بَعْضًا﴾ تا آخر آیه.

از یحیی از وکیع از الأعمش از مجاهد از طاوس از ابن عباس رضی الله عنهما آمده است: پیامبر ﷺ از کنار دو قبر گذشت و فرمود: «إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ: أَمَّا هَذَا، فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ، وَأَمَّا هَذَا، فَكَانَ يَمْشِي بِالْأَنَمِيمَةِ» (این دو عذاب می‌شوند و برای گناه بزرگی

عذاب نمی‌شوند: اما این یکی ادرارش را تمیز نمی‌کرد و اما این یکی خبرچینی می‌نمود). سپس خواست تا دو ترکیه‌ی تازه خرما به او بدهند، یکی را بر این یکی قرار داد و دیگری را بر آن یکی و فرمود: «لعله یخفف عنهما ما لم ییبسا» (باشد که [عذاب] آنها کم شود تا وقتی که این دو خشک نشده‌اند).

حافظ در الفتح گفته است: همچنین أحمد و طبرانی با اسناد صحیح از اُبی بکرۃ روایت کرده‌اند: پیامبر ﷺ از کنار دو قبر عبور نمود و فرمود: «إنهما یعذبان وما یعذبان فی کبیر وبکی» (آن دو عذاب می‌شوند و برای گناه بزرگی عذاب نمی‌شوند و بعد گریه نمود). در آن آمده است: «وما یعذبان إلا فی الغیبة والبول» (و عذاب نمی‌شوند، مگر از غیبت نمودن و [پاک ننمودن] ادرار)...

أبو داود گفته است از مسدد از وساق با سندش از عایشه رضی الله عنها آورده است: گفتم: برای تو صفیه

کافی است که این چنین و آن چنان می‌کند، فرمود: «لقد قلت كلمة لو مزجت بماء البحر لمزجته» (سخنی را گفتمی که اگر با آب دریا مخلوط شود، آن را سمی می‌کند).

در مسند احمد آمده است: پیامبر ﷺ از کنار قبری گذشت که صاحب آن عذاب می‌شد و فرمود: «إن هذا يأكل لحوم الناس» (این گوشت مردم را می‌خورد) تا آخر حدیث. روایان آن همگی ثقہ هستند. از الفتح گفته است: منظور از خوردن گوشت مردم، خبرچینی و غیبت کردن می‌باشد.

کرمانی گفته است: غیبت نوعی از خبرچینی است؛ زیرا کسی که درباره‌ی او صحبت شده است اگر آنچه را که درباره‌ی وی گفته می‌شود را بشنود، در نتیجه‌ی آن ناراحت می‌شود. قرطبی گفته است: اجماع^۱ وجود دارد

^۱ - اجماع به فتوایی گفته می‌شود که تمامی علماء در یک زمان بر آن اتفاق نظر داشته باشند. (مترجم)

که غیبت از گناهان کبیره است.

ابن اثیر گفته است: غیبت آن است که از بدی انسانی [نزد دیگران] گفته شود و آن بدی در وی وجود داشته باشد.

امام نووی رحمه الله گفته است: غیبت از شخص چیزی است که او از آن ناراحت می‌شود، و یکسان است درباره‌ی بدنش باشد یا دینش یا دنیایش یا نفسش یا اخلاقش یا مالش یا پدر و مادرش یا فرزندش یا همسرش یا خادمش یا لباسش یا حرکتش یا بشاشیتش یا اخمو بودنش یا دیگر موارد باشد. از الفتح.

فصل

حرام بودن خبرچینی از قرآن و سنت

الله تعالی می‌فرماید: ﴿هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ﴾ [القلم: ۱۱]
(بسیار عیبجویی که دائماً خبرچینی می‌کند). راغب گفته است: «همز» همان غیبت کردن است و «النم» آشکار

کردن سخن است. از الفتح.

ابن کثیر در تفسیرش درباره‌ی: ﴿مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ﴾ گفته است: کسی که بین مردم راه می‌رود و بین آنها دشمنی ایجاد می‌کند که باعث قطع صله‌ی رحم می‌شود. به الله تعالی پناه می‌بریم از آنچه کراهت دارد و باعث خشم وی می‌شود.

پیامبر ﷺ فرموده است: «وَأَمَّا الْآخِرُ، فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ» (و اما دیگری، با خبرچینی بین مردم قدم می‌گذاشت).

ترمذی از عبد الله بن أسباط، با سندش از ابی صالح از ابوهریره ؓ آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، مَالُهُ وَعَرْضُهُ وَدَمُهُ، حَسَبَ أَمْرٍ فِي الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ» (هر چیز مسلمان بر مسلمان حرام است، مال او و ناموس او و خون او [برای دیگری حرام است]، برای شر بودن کسی کافی

است که برادر مسلمان‌ش را تحقیر کند) گفته است: این حدیث حسن غریب است.

بخاری (بخارایی) رحمه الله تعالی در باب النمیمه من الکبائر درباره‌ی حدیث ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: پیامبر ﷺ از دیوارهای مدینه خارج شد و صدای دو انسان را شنید که در قبرشان عذاب می‌شدند، فرمود: «يَعَذَّبَانِ فِي قُبُورِهِمَا فَقَالَ: يَعْذَّبَانِ وَمَا يَعْذَّبَانِ فِي كَبِيرَةٍ، وَإِنَّهُ لَكَبِيرٌ كَانَ أَحَدُهُمَا لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَكَانَ الْآخِرُ يَمْشِي بِالْنَمِيمَةِ» (در قبرهایشان عذاب می‌شوند و در حالی عذاب می‌گردند که برای گناه کبیره عذاب نمی‌شوند. و آن بزرگ است، یکی از آنها ادرار خود را پاک نمی‌کرد و دیگری باخبرچینی بین مردم قدم می‌گذاشت).

أبو بکر إسماعیلی از عبد الله بن ماجد با سندش از ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «يا معشر من آمن بلسانه ولم يفضِ الإيمانِ إلی

قلبه، لا تغتابوا المسلمین، ولا تتبعوا عوراتهم؛ فإنه من يتبع عورات المسلمین يتبع الله عورته، ومن يتبع الله عورته يفضحه، ولو فی جوف رحله» (ای گروه کسانی که با زبانشان ایمان آورده‌اند و ایمان در قلب آنها جای نگرفته است، از مسلمانان غیبت نکنید و به دنبال عورت آنها نباشید، کسی که به دنبال عورت مسلمانان باشد، الله به دنبال عورت او می‌افتد و کسی که الله به دنبال عورت او بیافتد، او را بی‌آبرو می‌کند، حتی اگر در داخل خانه- اش باشد). از ابن کثیر.

أبوداود از ابن المصفی با سندش از أنس بن مالک رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لما عرج بی مررت بقوم لهم أظفار من نحاس يخمشون وجوههم وصدورهم قلت: من هؤلاء یا جبریل، قال: هؤلاء الذین یأکلون لحوم الناس، ویقعون فی أعراضهم» (وقتی معراج نمودم قومی را دیدم که ناخنهای آنها از مس بود و

صورتها و سینه‌هایشان را با آن خراش می‌دادند، گفتم: آنها چه کسانی هستند ای جبرئیل؟! گفت: آنها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند و خود را گرفتار ناموس آنها می‌کردند).

در صحیحین از پیامبر ﷺ آمده است که در خطبه‌ی وداع فرمود:

«إِنْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالُكُمْ وَأَعْرَاضُكُمْ عَلَيَّ حَرَامٌ، كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، أَلَا هَلْ بَلَغْتُ» (همانا خونهایتان و مالهایتان و ناموسهایتان بر شما حرام است به مانند حرام بودن این روز شما در این ماه شما در این سرزمین شما. آیا رساندم؟). همچنین فرموده است: «وَهَلْ يَكْبُ النَّاسُ عَلَيَّ وَجُوهَهُمْ أَوْ قَالَ: عَلَيَّ مَنَاخِرَهُمْ إِلَّا حَصَائِدَ أَلْسِنَتِهِمْ» (آیا مردم را چیزی بر صورت‌هایشان - یا فرمود: بر بینی‌هایشان - [در جهنم] وازگون می‌نماید، مگر حاصل زبانهایشان).

فصل

از پیشینیان شامل صحابه رضی الله عنهم و تابعین در این باب، مواردی ذکر شده است: از زید بن أسلم از پدرش از عمر رضی الله عنه آمده است که به نزد ابوبکر رضی الله عنه رسید و او زبانش را می‌کشید. عمر رضی الله عنه به او گفت: باز ایست، الله تو را بیمارزد، او گفت: از آن ضرری به من رسیده است.

عمر رضی الله عنه گفته است: «بر شماست که الله [تعالی] را یاد کنید! زیرا آن شفا است و شما را برحذر می‌دارم که مردم را یاد کنید و آن بیماری است».

قتاده رحمه الله گفته است: «برای ما بیان شد که عذاب قبر از سه چیز است، یک سوم آن غیبت است و یک سوم آن، از [پاک نکردن] ادرار است و یک سوم آن از خبرچینی». از الزاجر.

ابن حجر گفته است، زبان تو شیر تو می‌باشد، اگر او را رها کنی، تو را می‌کشد و اگر او را بگیری از تو نگهبانی می‌کند.

گفته شده است: گروهی از کنار راهبی در صومعه-
اش گذشتند، گفتند: اسم تو چیست؟ گفت: سَجَّان. گفتند:
سَجَّان چیست؟ گفت: زبانم مردم را نیش نمی‌زند.

حسن بصری رحمه الله گفته است: قسم به الله،
غیبت، دین شخص را فاسد می‌کند، سریعتر از آن که
سرطان جسد را فاسد می‌کند.

مردی به او گفت: به من رسیده است که تو از من
غیبت نمودی؟ به او گفت: منزلت تو به من نرسیده است
و من تو را در نیکی‌هایم شریک نمودم.

در حدیث آمده است، با مشکلترین چیز نزد الله
تعالی حلال کردن ناموس مسلمان می‌باشد، سپس این
سخن الله تعالی را تلاوت نمود: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ [الاحزاب: ۵۸] (و کسانی که مردان و
زنان مؤمن را آزار می‌دهند...). از الزواجر.

ابن حجر گفته است: آشکار شده است که غیبت

بیماری سختی است و سمّی است که در زبانها وجود دارد و از آب زلال گواراتر است. پیامبر ﷺ آن را همراه غصب مال و گرفتن جان آورده است، آنجا که فرموده است: «کل المسلم علی المسلم حرام، دمه و ماله وعرضه» (هر چیز مسلمان بر مسلمان حرام است، خون او و مال او و ناموس او).

فائده: بعضی از عوام می‌گویند که اگر از مسلمانی غیبت کنی و نام او را نبری مشکلی وجود ندارد. این سخنی بدون علم است و در آن چیزی در کتاب الله تعالی و سنت رسول الله ﷺ نیامده است، پیامبر ﷺ فرموده است: «کل المسلم علی المسلم حرام» (هر چیز مسلمان بر مسلمان حرام است) به مجرد آن که او مسلمان است، ناموس او احترام دارد، چه اسم او برده شود و چه برده نشود. زیرا پیامبر ﷺ غیبت از مسلمان را حرام فرموده است.

فصل

در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «تجدون شر الناس ذا الوجهين الذي يأتي هؤلاء بوجه وهؤلاء بوجه، ومن كان ذا لسانين في الدنيا، فإن الله يجعل له لسانين من نار يوم القيامة» (شرترین مردم را کسی می‌یابید که دو رو می‌باشد، نزد عده‌ای این گونه می‌آید و نزد دیگر گروه آن گونه و کسی که دارای دو زبان در دنیا باشد، الله [تعالی] برای او در روز قیامت دو زبان از آتش می‌گذارد).

امام ابو حامد گفته است: در بیشتر موارد خبرچینی این گونه صورت می‌گیرد که شخصی سخن شخص دیگری را نقل می‌کند و می‌گوید: فلانی درباره‌ی تو این چنین گفت.

آن فقط مخصوص آن نمی‌باشد، بلکه مرز آن آشکار کردن است و آنچه که از آشکار شدن آن کراهت وجود دارد، یکسان است این آشکار کردن به سخن گفتن

یا نوشتن یا اشاره یا رمز یا مانند آن صورت گیرد. از
الکبائر.

فصل

درباره‌ی این سخن الله تعالی: ﴿حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ [زن
ابولهب] حمل‌کننده‌ی هیزم [جهنم] است) گفته شده است:
زیرا زن ابولهب با نقل قول کردن، خبرچینی می‌کرد، به
همین دلیل خبرچینی هیزم [جهنم] نامیده شده است؛ زیرا
آن باعث مشتعل شدن آتش می‌گردد.

گفته شده است: عمل خبرچین با ضررتر از عمل
شیطان است، زیرا عمل شیطان با وسوسه صورت می‌-
گیرد ولی عمل خبرچین با رویارویی.

ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: کسی که از
دیگران نزد تو سخن بگوید، از تو نیز نزد دیگران سخن
می‌گوید، پس از او برحذر باش! عبد الله بن مبارک رحمه
الله گفته است: حرام‌زاده سخنی را نمی‌پوشاند و این

استنباط از این سخن الله تعالی است: ﴿عُتِّلُ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٌ﴾ [القلم: ۱۳] (سخت روی است گذشته از این که بی‌اصل و نسب است). از الکبائر.

ابن مسعود رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا يبلغني أحد عن أحد من أصحابي شيئاً، فإني أحب أن أخرج إليكم وأنا سليم الصدر» (کسی از کسی از اصحابم، ذره‌ای به من مطلبی را نرساند، زیرا من دوست دارم که به سمت شما خارج شوم در حالی که دارای سینه‌ای سالم هستم). ترمذی و أبوداود.

فصل

علماء گفته‌اند غیبت در هیچ حالتی مباح نمی‌باشد، مگر در شش چیز و آن نیز باید با هدفی صحیح صورت گیرد.

اول: نزد امیر یا کسی که دارای سرپرستی و قدرت می‌باشد، دادخواهی کند و بگوید: فلانی به من ظلم کرده

است.

دوم: کمک گرفتن برای تغییر دادن عمل زشت و وادار نمودن نافرمان به سوی عمل درست.

سوم: طلب فتوا نمودن، به مانند آن که کسی به عالم بگوید: برادرم به من ظلم نموده است و آیا می‌توانم فلان کار را انجام دهم.

چهارم: برحذر داشتن مسلمانان از امری و خیرخواهی برای آنها به مانند کسی که بگوید: فلانی راوی حدیث خوبی نمی‌باشد و یا کسانی که شاهد متهمان می‌باشند و مانند آن.

پنجم: کسی که گناه خود را آشکارا انجام می‌دهد و یا مانند آن و در این حالت جایز است که از کسی که عمل زشت خود را آشکارا می‌گوید، سخن گفته شود و عیبهای او برای دیگران بیان شود.

ششم: بیان داشتن صفاتی از شخصی که او را از

دیگران جدا می‌کند، مثل نابینا یا شل و مانند آن و اگر برای ایراد گرفتن از وی باشد، حرام می‌باشد.

این شش مورد بود که اهل علم آن را بیان داشته‌اند و دلایل آن از احادیث صحیح می‌باشد. از کلام امام نووی به صورت مختصر، الله کسی است که توفیق به درست رسیدن را می‌دهد.

حکایت

از معروف کرخی رحمه الله آمده است که اگر کسی نزد او از انسانی غیبت می‌نمود، فریاد می‌کشید و می‌گفت: پارچه‌ی پنبه‌ای را یاد کن، عطری که به تو می‌زنند را یاد کن و کفن را یاد کن که وقتی می‌میری برای تو قرار می‌دهند.

به این عارف نگریسته شود! این چنین بود که از دست رفتن [ثواب] اعمال صالحش توسط مردم، می‌ترسید؛ زیرا او به سخن پیامبر ﷺ ایمان داشت.

حسن رحمه الله گفته است: اگر مردی را دیدید که به عیب‌های دیگران مشغول می‌شود و به عیب‌های خود توجهی نمی‌کند، بدانید که او مورد فریب واقع شده است. تاریخ ابن کثیر.

فائده: آجری رحمه الله روایت کرده است که از کنار مردی گذشت و اثر پاکی در وی وجود داشت و او فقیر بود، آن مرد با دستش اشاره نمود و چیزی خواست. او در قلبش گفت: اگر این پیرمرد از دسترنج خود می‌خورد، می‌توانست زندگی کند. وقتی شب آمد و او خوابید، برای او [گوشت] پخته شده‌ای را آوردند و به او گفته شد: گوشت آن [مرد] را بخور! فریاد زد و گفت: من که چیزی نگفتم! [و از کسی غیبت نکرده‌ام] به او گفته شد: سخن قلبت برای تو کافی باشد. از تاریخ بغداد.

ای برادر! در این امر بزرگ و خطرناک بنگریم و از غیبت خودداری کنیم و درباره‌ی کسی که از او غیبت

می‌شود، فریب نخوریم؛ زیرا الگو همان رسول الله ﷺ است و باید از این خودداری کنیم که اعمال صالح خود را بین مردان و زنان مسلمان تقسیم کنیم و در روز قیامت فقیر و بی‌چیز شویم. به الله تعالی پناه می‌بریم از خشم و انتقامش.

بزرگترین خطر در غیبت، غیبت نمودن از اهل علم و اصلاح می‌باشد، حتی اگر مرتکب خطا شده باشند و کامل بودن فقط برای الله بزرگ است.

کسی که به غیبت کردن علماء مبتلا شود، مبتلا به مردن قلب می‌شود، همان گونه که ابن عساکر و غیر آن را بیان داشته‌اند. به الله تعالی پناه می‌بریم از خوار شدن.

این آخر مطلبی است که جمع آوری آن برای من میسر شد و شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است. از الله تعالی در خواست می‌نماییم تا حق را به ما حق نشان دهد و به ما توفیق تبعیت از آن را بدهد و

باطل را با ما باطل نشان دهد و به ما توفیق خودداری از
آن را بدهد و ما را به راه مستقیم هدایت نماید، او
بخشنده‌ای گرامی است و صلوات و سلام و برکت الله
تعالی بر پیامبرش و آل و اصحابش و تمامی کسانی که از
وی تبعیت می‌کنند. آمین.